بسمه تعالی

فلسفه۲ درس هشتم: عقل در فلسفه (۲)

یکی از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت و تفکر فلسفی در جهان اسلام، پیام الهی و سخنان پیامبر اکرم (ص) و عترت گرامی ایشان است.

دو شکل مخالفت جریان های فکری مسلمانان با عقل:

۱. تنگ و محدودکردن دایرۀ اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن؛

توضیح بیشتر: ورود عقل به مسائل دینی موجب آسیب زدن به دین می شود. چون برخی روش های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارند.

۲. مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیر اسلامی.

توضیح بیشتر: مخالفت دیگر در مورد عقل در خصوص مساله فلسفه و مهد آن (یونان) بود این که اصل فلسفه از یونان باستان و فلاسفه آن نشات گرفته است و با مسائل دینی سازگار نیست.

رد مخالفت دوم: جدای از این که آرا و نظرات فلاسفه یونان باستان با مسائل دینی سازگاری ندارد نمی توان فلسفه را به عنوان یک دانش خاص متعلق به یک کشور و یک زمان خاص دانست همان طور که سایر دانش ها که هر کدام نشات گرفته از یک کشور هستند. در درستی و نادرستی یک دانش عقلی فقط استدلال است که داوری می کند، نه یونانی یا ایرانی و یا چینی بودن اندیشمند.

عقل نزد فیلسوفان مسلمان

۱. عقل، به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی؛
۲. عقل، به عنوان قوۀ استدلال و شناخت.

۱- عقل، به عنوان موجود متعالی و برتر از ماده

فیلسوفان مسلمان مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان مجرد از ماده است، اثبات کرده و نام آن مرتبه را عالم عقول گذاشته اند . از نظر فارابی و ابن سینا اوّلین مخلوق خدا عقل اوّل است که موجودی کاملاً روحانی و غیرمادی است و عقول دیگری نیز به ترتیب از عقل اوّل به وجود آمده اند .این موجودات مجرّد فوق عالم طبیعت اند و فیض خداوند از طریق آنها به عوالم دیگر می رسد، عالم عقول را تشکیل می دهند.

توضیح بیشتر:

۱. به اعتقاد فلاسفه مسلمان، مرتبه ای از موجودات، حقیقت وجودشان مجرد از ماده است یعنی جسم مادی ندارند.
۲. اولین مخلوق خدا «عقل اول» است و سایر عقل ها از عقل اول به وجود آمده اند.
۳. عالم عقول عالمی است که موجودات مجرد از ماده (عقول=عقل ها) در آنجا هستند.
۴. عقول در عالمی فراتر از عالم طبیعت هستند.
۵. عقول واسطه فیض رسانی خدا به عالم طبیعت هستند.

غیر این عقلِ تو، حق را عقل هاست که بدان تدبیر اسباب سماست

فلاسفه مسلمان معتقدند عقلی که در انسان هست پرتوی از عالم عقول است اگر تربیت شود و رشد کند، علاوه بر استدلال کردن، می تواند حقایق را آن گونه که عقول درک می کنند، بیابد و مشاهده کند.

یکی از عقل های عالم عقول «عقل فعال» نام دارد که وظیفه آن فیض رسانی به عقل انسان هاست (راهنمای عقل انسان هاست). فارابی می گوید: مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند آفتاب است نسبت به چشم. وجه اشتراک این تشبیه «روشن کردن و نشان دادن مسیر حرکت» است.

۲- عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال

عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند که همهٔ راه های عقلی شناخت و انواع استدلال ها،از جمله استدلال تجربی، تمثیل و برهان عقلی محض، هرکدام در جایگاه خود روشی درست برای کسب دانش به حساب می آیند.

«ما فرزندان دلیل هستیم» : هر نظر و هر مکتب و آیینی را که دلایل استوار عقلی داشته باشد، می پذیریم.
ابن سینا می گوید: هرکس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از حقیقت انسانی خارج شده است.

دیدگاه ابن سینا و فارابی در مورد عقل:
عقل انسان در ابتدا همانند یک استعداد است که نیاز به رشد و تربیت دارد و در طی مراحلی به کمال می رسد.

اولین مرحله عقل: عقل هیولایی است و آن هنگامی است که انسان هیچ ادراک عقلی ندارد، اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد.

دومین مرحله عقل: عقل بالملکه است در این مرحله ، عقل درکی اوّلی از قضایای ضروری پیدا می کند در این مرحله *انسان می تواند دانش ها را کسب کند.*

سومین مرحله عقل: عقل بالفعل است در این مرحله، عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار دانش هایی را کسب می کند.(تمرین برای کسب دانش).

چهارمین مرحله عقل بالمستفاد نام گرفته است در این مرحله انسان بر دانش ها مسلط می شود و از هر کدام بخواهد استفاده می کند. مانند یک استاد ریاضی که هر مسئلهٔ ریاضی را جلوی او بگذارند، به راحتی حل می کند.

عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند که:

۱- پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند استدلال عقلی است؛ هر چند استدلال عقلی افراد در سطح جامعه متفاوت است ولی ایمانی با ارزش است که پشتوانه عقلی داشته باشد. و ایمان بدون عقل انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه می کشاند.

۲- عقل بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است. ما به کمک عقل در آیات قرآن می اندیشیم و با تفکر و تدبّر در آیات، به معارف قرآن پی می بریم. کتاب های بسیار ارزشمند ملاصدرا و علامه طباطبایی در تفسیر قرآن گویای این موضوع است.

۳- فیلسوفان مسلمان علاوه بر استدلال عقلی، حس و شهود را هم معتبر می دانند از این رو با تهذیب نفس سعی می کردند به معرفت شهودی دست یابند آنان همچنین وحی را عالی ترین مرتبهٔ شهود می شمارند که به پیامبران الهی اختصاص دارد.

از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت می رسانند و لذا در موضوعات مشترک حتماً به یک نتیجه خواهند رسید و مؤیدّ یکدیگر خواهند بود. استفاده نادرست و ناقص از استدلال عقلی باعث ایجاد تعارض میان دست آوردهای وحی و استدلال عقلی می گردد که راه علاج آن در موارد زیر است:

۱- باید تلاش علمی خود را افزایش دهیم.

۲- از دانش دیگران بهره ببریم.

در نتیجه دو تلاش بالا می توانیم، خطاهای خود را اصلاح نماییم و از توهم و گمان تعارض میان یافته های عقلی و دستاوردهای وحی رهایی یابیم.

ملاصدرا می فرماید:

امکان ندارد که احکام و قوانین دین حق و روشن الهی با دانش و معرفت یقینی و قطعی در تقابل باشد و نفرین بر آن فلسفه ای که قوانینش با قرآن و سنت مخالف و متضاد باشد و با آنها مطابقت نکند. (امکان ندارد یافته های عقلی با آیات قرآن مخالف باشد.)